



آنچه در قلب دانشگاه تهران، تحت عنوان هفته دیزاین برگزار شد، نه بازتابی از خلاقیت بود و نه تجلی اصالت هنری و نوآوری؛ بلکه به تعبیری می‌توان آن را سخیف‌ترین و زنده‌ترین تعرض به حریم دانشگاه، به‌ویژه به کرامت زنان این سرزمین دانست. دانشگاه، نه محلی برای آزمودن مرزهای ابتذال بصری، بلکه سنگر علم، اندیشه و تمدن‌سازی است. اینجا جایی است که باید شعور، اخلاق و دانش دست در دست هم دهند تا به تولید معنا و بلوغ اجتماعی بینجامد، نه آنکه به صحنه‌ای برای نمایش سطحی‌ترین جلوه‌های تقلید فرهنگی غرب تبدیل شود. رخداد هفته دیزاین، بیش از آنکه رویدادی فرهنگی باشد، نشانه‌ای هشداردهنده از ضعف نظارت، کج‌فهمی مفهومی از هنر و بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی دانشگاه محسوب می‌شود. هنر و طراحی، چنان‌که ریشه در اصالت پیدا کنند، می‌توانند زیبایی را در خدمت معنا قرار دهند، اما هنگامی که این پیوند گسسته می‌شود، آنچه باقی می‌ماند، پوسته‌ای آراسته از خلأ درونی است؛ تکرار ظاهر جذاب بدون اندیشه. این همان اتفاقی است که در این رویداد رخ داد: ظاهر پر زرق و برق، اما تهی از پیام فرهنگی، اخلاقی و فکری دانشگاه تهران، نماد تاریخی فرهنگ و خرد ایرانی است. در حافظه جمعی جامعه، این دانشگاه همیشه به‌عنوان جایگاه اعتراض اندیشمندان، بیداری اجتماعی و احترام به کرامت انسانی شناخته شده است. چه جای تأسف که امروز همان فضا، به‌جای الهام‌بخشی در علم و فرهنگ، به محلی برای عرضه نمایش‌هایی

تبدیل می‌شود که با هویت آکادمیک در تضاد آشکارند. این تضاد نه تصادفی، که نتیجه نگاهی سطحی به «دیزاین» است؛ نگاهی که طراحی را از پشتوانه فکری، فرهنگی و اخلاقی تهی ساخته و صرفاً به ابزار خوندنایی و جلب توجه تقلیل داده است. چگونه ممکن است نهادی که معیار فضیلت و تفکر نقادانه است، به سادگی زمینه برگزاری چنین برنامه‌هایی را فراهم کند؟ پاسخ، تلخ اما واقعی است: نوعی سهل‌انگاری مزمن در لایه‌های مدیریتی، بی‌تفاوتی در بدنه فرهنگی و گاه حتی همراهی ناآگاهانه برخی از مسئولان. این بی‌تفاوتی، آرام‌آرام به مجوز ورود ارزش‌های نازل و ناهماهنگ بدل شده است. سکوت در برابر این لغزش‌ها، معنایی جز تأیید ضمنی ندارد. همین سکوت، مخاطره‌انگیزتر از خود واقعه است. دیزاین، برخلاف آنچه در این رویداد مشاهده شد، مفهومی ژرف است که مرزهای زیبایی‌شناسی، کارکرد و معنا را دربر می‌گیرد. طراحی باید در خدمت تعالی انسان باشد، نه در خدمت نمایش بدن، تحریک غریزه یا فروش ظاهر. آنچه در هفته دیزاین رخ داد، نه تنها سوءبرداشت از مفهوم طراحی بود، بلکه بازتولید همان فرهنگ مصرف‌گرایانه‌ای است که مدرنیته‌ی سطحی غرب به جهان تحمیل کرده است. این گونه بازآفرینی‌های خام و تقلیدی، خطرناک‌تر از خود ابتذال‌اند، زیرا در پوشش آکادمیک و فرهنگی رخ می‌دهند. از سوی دیگر، بی‌احترامی ضمنی به جایگاه زنان دانشجوی، جنبه‌ای نگران‌کننده از این اتفاق بود. زن دانشجوی، نه سوژه‌ی نمایش بصری، که فاعل اندیشه و

نیروی محرکه پیشرفت کشور است. تقلیل زن به ابزاری برای تزئین فضا یا تکمیل یک صحنه نمایشی، دقیقاً در تضاد با آرمان‌های برابری و کرامت انسانی قرار دارد. هر نمایش و هر رویدادی که بغض‌وی شأن علمی و انسانی زنان را مخدوش کند، در حقیقت به آینده کشور حمله کرده است. زیرا آینده‌ی علمی، فرهنگی و مدیریتی کشور در گرو حضور مؤثر این قشر است. این ماجرا را نمی‌توان با چند توجیه ظاهراً هنرمندانه یا عذرخواهی رسمی فراموش کرد. اتفاق هفته دیزاین، پرده از یک مشکل ساختاری برداشت: بحران مدیریت فرهنگی در نهاد دانشگاه. هنگامی که دانشگاه نتواند مرز روشنی میان خلاقیت و ابتذال، میان هنر و هرزگی برقرار کند، طبیعی است که اعتماد عمومی نسبت به مسئولان آن کاهش می‌یابد. ما امروز نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها هستیم؛ بازنگری‌ای که معیار آن، نه مد روز و نه تقلید کورکورانه از غرب، بلکه پیوند میان علم، اخلاق و هویت ایرانی باشد. دفاع از دانشگاه، دفاع از ایران فرهنگی است. اگر دانشگاه به جولانگاه ابتذال بدل شود، جامعه فردا را بدون مرزهای اخلاقی و فکری تصور خواهد کرد. این تجربه تلخ باید آغازی برای بازسازی وجدان فرهنگی دانشگاه‌ها باشد. نباید اجازه داد فضای مقدس علم و تفکر، در سکوت یا بی‌اعتنایی، به محل آزمون هر سلیقه بی‌ریشه‌ای بدل شود. مطالبه شفافیت، پاسخ‌گویی و مجازات متخلفان، نه واکنش هیجانی که وظیفه اخلاقی هر دانشجوی و استاد آگاه است. زنان دانشجوی، ستون‌های استوار دانشگاه‌اند؛ نه

مسیر آینده را روشن می‌سازند. اکنون زمان آن رسیده است که جامعه دانشگاهی با مطالبه‌گری آگاهانه، اجازه ندهد لکه این ابتذال بر چهره دانشگاه باقی بماند. حریم علم، فقط با غیرت، تفکر و مسئولیت‌پذیری پاس داشته می‌شود

فردا ابتذال در لباس علم و هنر عادی‌سازی خواهد شد دفاع از حریم دانشگاه، در واقع دفاع از معنویت، هویت و عزت جامعه است. دانشگاه باید دوباره به جایگاه واقعی خود بازگردد؛ جایی که علم، ادب و اخلاق، نه در تعارض، بلکه در هم‌تنیدگی کامل،

مجسمه‌هایی برای تزیین صحنه‌ای موقت، کرامت آن‌ها باید در صدر ارزش‌های هر نهاد علمی قرار گیرد. تعرض به محیط دانشگاه، به هر شکلش، تعرض به شرافت ملی و آینده کشور است. این رویداد باید هشدار باشد برای همه ما که اگر امروز در برابر آن نایستیم،



حنانه حدادزاده

دبیر واحد حقوق زنان انجمن اسلامی دانشجویان

رأس آن بانوان هستند آلوده شود، این موضوع سبب شده است که بیشتر بیانگر خلاها و آسیب‌های سیاستگذاری فرهنگی است

نقش پررنگ افراد مشهور و به اصطلاح سلبریتی‌ها در ترویج سبک زندگی ناهمساز با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، چه در فضای مجازی و چه در جامعه، قابل انکار نیست. دولت با غفلت از نقش اثرگذار این گروه که فارغ از هرگونه نظارت قانونی، قواعد خودساخته و با چاشنی غرب‌زدی را در کشور ترویج می‌کنند، عملاً مسئولیت انتقال محتوای فرهنگی آسیب‌زا را به آنان سپرده‌اند. لذا این محتواها به‌ویژه در میان جوانانی که آینده‌ساز جامعه‌اند، رواج یافته و آنها را از هویت سازنده خویش دور ساخته و به سوی فرهنگ‌هایی سوق داده که سدّ راه رشد و تلاش است

دولت و دستگاه‌های متولی در فضای فرهنگی دولت چهاردهم، باید با رجوع به بازنگری ژرف سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، دست به اصلاحات عمیق زنند. ارتقای آگاهی‌های دینی، اخلاقی و ملی، تقویت نظارت‌های فرهنگی، حمایت از نهادهای تربیتی و فرهنگی، ایجاد فضاهای مناسب با ارزش‌های اسلامی و ایرانی، و مشارکت فعال خانواده‌ها باید محورهای اصلی این اصلاحات باشد تا از دوام وضع موجود جلوگیری شده و راه برای توسعه فرهنگی اصیل و پایدار هموار گردد. چنین چشم‌اندازی تنها راه تضمین انسجام اجتماعی، پاسداشت هویت ملی و اعتلای فرهنگی کشور است که شایسته است در رأس برنامه‌های دولت قرار گیرد

وضعیت پوشش و فرهنگ عمومی پس از دولت چهاردهم نیز با چالش‌های فراوانی روبرو شده است، چنانکه در حالی که قوانین مربوط به عفاف و حجاب در دولت قبل در دست بررسی بود، برخی مسئولان دولتی اجرای آن را نادیده گرفتند و این رفتار، راه را برای بی‌قانونی هموار ساخته و جایگاه مجلس شورای اسلامی را تضعیف نمود. برخلاف تأکیدات قانون اساسی مبنی بر اینکه فقط مجلس صلاحیت لغو قوانین را دارد، دخالت‌هایی صورت گرفته که موجب تحقیر مجلس و نادیده گرفتن رأی ملت را فراهم آورده است. ضعف نظارتی و بی‌تدبیری دستگاه‌های مسئول، همراه با تأثیرات منفی و قدرت رسانه‌های بیگانه، موجب کاهش کنترل بر مسئله حجاب و فرهنگ عمومی شد و به گسترش رفتارهای هنجارشکنانه در حوزه‌های حساسی چون مدارس و دانشگاه‌ها که محل تربیت قشر کنشگر جامعه است، منجر گردید؛ در صورتی که این مراکز به عنوان محل پرورش نسل جوان و آینده‌ساز جامعه باید به فضای امن و متعالی تبدیل شوند. دولت چهاردهم با اتخاذ رویکردی منفعلانه در این حوزه، مسئولیت نظارتی خویش را کاهش داده و این موضوع حساس را به نهادهای فرهنگی واگذار کرده است

ورود فناوری‌های ارتباطی و رشد فضای مجازی گسترده، در حالی که سیاست‌های فرهنگی رسمی ضعیف و برنامه‌های آموزشی کارآمد کم‌توان هستند، باعث شده فرهنگ‌های نامتعارف غربی به فضای پاک خانواده نفوذ کند و بنیاد پاک خانواده که در

فضای فرهنگی کشور در سال‌های اخیر با روی کار آمدن دولت چهاردهم با چالش جدی فضای هنجارشکنانه‌ای، چه در بسترهای فیزیکی و اجتماعی جامعه و چه در فضای مجازی، مواجه شده است که نیازمند بازنگری ژرف و همه‌جانبه‌ای می‌باشد. در جامعه‌ای که بر مبانی اسلام استوار است و موجودیتی دارد که با حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی و ملی خود شناخته می‌شود، هر رفتاری و روندی که در تضاد با هنجارهای دینی و ملی قرار گیرد، تهدیدی مهلک برای انسجام اجتماعی و هویت فرهنگی آن محسوب می‌شود. دولت چهاردهم در ایام تبلیغات انتخاباتی بارها به اهمیت فرهنگ اشاره نمود و در میزگرد فرهنگی رسانه ملی بر لزوم آزادی رسانه‌ها و نقش آنها در مطالبه‌گری تأکید ورزید. ایشان همچنین به مشکلات حوزه کتاب، از جمله گرانی و کاهش قدرت خرید که موجب افت مطالعه شده، اشاره کردند و خواستار تدابیر تشویقی برای ارتقای سطح کتابخوانی در مدارس شدند، زیرا یادگیری در جوانی آسان‌تر و عمیق‌تر است. ایشان تأکید داشتند که با داشتن پیوست فرهنگی در مناطق مختلف، ایجاد فضاهایی همچون کتابخانه و مسجد، بایسته است تا ساختار اجتماعی به گونه‌ای شکل گیرد که این روندهای فرهنگی قابل اجرا و بهره‌برداری باشند. ولیکن، برخلاف وعده‌های داده شده، نظارتی بر این امور نیست و بسیاری از این وعده‌ها یا با ضعف در پیگیری مواجهند یا صرفاً در حد یک وعده لفظی باقی مانده‌اند